

فرهنگ

فیلم سینمایی «مصلحت» خوانشی جدید از چالش‌های عدالت‌خواهی درون ساختار سیاسی است

که با برخی آثار بن‌بست‌ساز قبلی تفاوت دارد

مصلحت جرم نیست

میاد جلیل‌زاده
<div>خبرنگار گروه فرهنگ</div>

در جشنواره سبوت و کور سسی‌ونهم که آخرین دوره برگزار می‌شد در دولت قیوم پول، فیلمی به نمایش درآمد که قبل از این کسی کارگردانش را نمی‌شناختند و ماجراهایش با اینکه در دهه ۶۰ و فضای سیاسی آن دوران رقم می‌خورد، اقتباسی از یک رویداد واقعی و تاریخی نبود. رویدادی که فیلم آن را روایت می‌کند، واقعیت نداشت اما حقیقت داشت. پسر یکی از علمای انقلابی آن دوران که حالا قاضی شده، در یکی از درگیری‌های سیاسی مقابل دانشگاه تهران، به‌طور تقریباً ناخواسته سر یکی از خانواده‌های اشرافی با به‌اصطلاح آن دوران طاغوتی را می‌کشد. حالا پای چیزی وسط می‌آید که نام فیلم هم از آن برآمده است؛ «مصلحت»، عدادی حتی بی‌اینکه آید آن‌الله مشکاتیان یا همان قاضی شرع انقلابی خودش شکر داشته باشد، سعی می‌کند بنا بر آنچه مصلحت دین و انقلاب تشخیص داده‌اند، ننگ‌زداند که واقعیت مصلحتی نباشد.

فیلم هم کاملاً امنیتی کنج‌گام‌هم‌در این میان هست که با همکاران و همیالگی‌هایی در این مصلحت‌سنجی همدل نیست و به دنبال کشف حقیقت می‌رود. بخش قابل توجهی از جذابیت فیلم به همین کشمکش‌ها برمی‌گردد که در نهایت حقیقت را روشن می‌کند و تصمیم جانانه آیت‌الله مشکاتیان در محله آخر این است که نگذارد عدالت زیر پا بماند، هر چند به پهای جان فرزندش. این البته پایان ماجرا نیست و سسکانسی‌های نهاییم نفس‌گیرتر از میانه روایت هستند اما مسائله‌ای که نام فیلم طرح کرد و تا همین جا هم برای مخاطب جاقافتاد، واقعا چالش‌برانگیز و مگرو بود. مسائله آفازادگی، مساله مصلحت نام، در مساله عدالت، مساله نیروهای خودی که آگاهانه و بی‌توجهانی حقیقت را زیر پا می‌گذارند و خیلی مسائل دیگر. در دهه ۶۰ مردم می‌دیدند که فرزندان برخی از علما و مقامات بلندپایه فقط در دام گروه‌های منافق افتادند و بی‌عج می‌مناستنی اعدام شدند. مردم می‌دیدند که اگر خودشان شهید می‌دهند، جبران انقلاب و مسئولان مملکت هم شهید می‌شوند؛ در معراب، در منزل، در میدان، دیدند که سسرادران بزرگ از ارزش و سیاه شهید می‌شوند و این‌طور نیست که نه تنها خودشان، بلکه فرزندان شان هم از خدمت بی‌گناه روند. وزیر نفت را دیدند که به اسارت عراق درآمد و مادرش مقابل دوربین‌های تلویزیون اعلام کرد حاضر نیست ایران را به صلح ماجری برای آزادی فرزندان بدهد حتی اگر در یک صورت فرزندش کشته شود و مردم دیدند که این حرف‌ها

رجزخوانی تعارفی نبود و وزیر نفت به‌واقع شهید شد. با چنین رویه‌ای می‌شد مردم را به مقاومت در برابر آن همه مشکلات و ناملایمات واداشت. جنگ بود، تحریم بود، فتنه‌های روزمره و خون‌بار گروه‌های متعدد منافق و جدایی‌طلب بود، مصلحت‌سنجی‌های آن سسونان و شهروندان هموطنان عادی بود، کسانی که وسط این همه ناملایمات احتکار می‌کردند و به زانو معروف شده بودند و یک‌سری مشکلات فرهنگی و اجتماعی

و عدالت‌سنجیمغان حتی انتقام به‌ناحق از چنین افرادی را برنتابید. چند ماه بعد از آن جشنواره، دولت عوض شد اما مصلحت به نمایش درنیامد. غیر از شیشلیک که توهین‌های رکبکی کرده بود، ابلق، بی‌همه چیز، زالوا و اباقی فیلم‌ها اگران شدند و مصلحت نبود که مصلحت‌اگران شود. قاضی القضات بازتاب می‌داد. در جشنواره سسوت و کور سسی‌ونهم که این فیلم اکران شد، حال و هوایی بود یک‌سره متفاوت با امروز. جوی سرست کرده بودند که هر اثری اگر ذره‌ای خارج از آن مدار حرف می‌زد و نگاه می‌کرد، حتی اگر شاهکار بود، کارها به دلیل اینکه دقیقاً در همان سبک قرار می‌گرفتند، روزی دست بلند شوند. آن سال به دلیل اوج گرفتن پاندمی کرونا، بر سر اصل برگزاری جشنواره حرف و حدیث‌هایی سنجدیده‌اند رفتار می‌کنند و ریز و درشت‌های دیگری از این دست کم‌هم در فیلم وجود دارند و هم از سالال ۱۳۹۹ تا به حال اتفاقات متعددی را در کشور رقم زده‌اند، همه باعث شد موضوعات طرح شده در این فیلم داغ‌تر از دوران تولد آن شود. سخت است که تفاوت کنیم آیا باید این وضعیت را تصادف اسم بدیم یا جلوتر بون عوامل فیلم از زمانه‌شان؛ اما به هر حال می‌دانیم آنچه در مصلحت مطرح شد، مسائله‌ای مثل خود اوست و سا بزنده شدن در دو انتخابات و قبضه کردن تمام قدرتهای رسانه‌ای و اجتماعی، درها و نیازهای جامعه را بایکوت کرد. ناگهان دی ۹۶ بدید آمد و پس از آن آبان ۹۸، انکار فرودستان و آنها که سبک زندگی، اولویت‌های و حتی وجودشان انکار شده بود، ناچار شدند طور دیگری اعلام وجود کنند. یک جو ضدسرمایه‌داری و ضد لبرالیسم و نولیبرالیسم در ایران ایجاد شد که فراتر از شرایط عام‌ر هم در نظر داشته و برای جذاب بودنش تلاش خوبی شده است. جو به تمام‌مظاهر سرمایه‌داری حمله می‌شد و همه چیز از زیر تیغ نقد می‌گذشت، از جمله سرمایه‌بینیم. جشنواره فجر سی‌ونهم آخرین فرصت بخشی از جریان لیبرال سینما برای اعلام وجود و خوب است که آن را با اغراق و زیاده‌روی نشان و زوری اعلام وجود کرده و نگذاشته بودند فضا یک‌دست در تیر عمل فکری بود که آن را مخاطب را بزند. تم پلیسی فیلم خوب و منطقی جلوی روی که از این لحاظ ما در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی دیگر ابراد می‌بینیم، باری‌ها خوب است و هیبت فرهاد قانمیان در نقش یک دادستان بلندپایه و معمم،

یکی از ماندگارترین و باشکوه‌ترین تصاویر او در دوران بازیگری اش است. اما گذشته از همه این جذابیت‌های سینمایی، آنچه دیدن این فیلم را لذت‌بخش می‌کند، تنفس در حال‌وهوای صحانه انقلاب است. در حال و هوایی که هنوز عدالت و آرمان عشق با پوزخند گزازه‌های منطبق نما تمسخر نمی‌شد. در شرایط ناملایم امروز، عاطفه‌ای که به آن بلاژوگار داریم از جوگری و شعارزدگی نیست می‌دانیم چه چیز آن خوب وناب بود و تفاوت شعار بسا عقلانیت وجدان‌مدار را می‌فهمیم و می‌توانیم فیلمی را دوست داشته باشیم که از واژه قرار گرفته در عنوانش، آشناسازی‌ای می‌کند. مصلحت همان چیزی نیست که در خواشنا اصلاحاً کامیوایی شناخته می‌شود؛ ای بسا عمل به عدل و تَعَلُّق به پرهنزترین تصمیم‌های اخلاقی، بیشتر به مصلحت ملک و ملت باشد.

۱۳

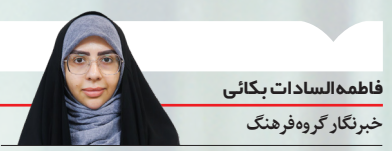
ادامه از صفحه ۱۲



فرهنگ

حسین دارابی، کارگردان فیلم سینمایی مصلحت:

دغدغه‌ام بی‌عدالتی‌ها است



فیلم سینمایی مصلحت، ساخته حسین دارابی که با همکاری سازمان اوج و حوزه هنری ساخته شده، بعد از قریب به سه سال توقیف بالاخره به اکران عمومی رسید. «پدری، اولین اسمی بود که برای این فیلم انتخاب شد و بعد به «مصلحت نظام» تغییر پیدا کرد اما نتوانست با این عنوان دیسن این فیلم را لذت‌بخش می‌کند، تنفس در حال‌وهوای صحانه انقلاب است. در حال و هوایی که هنوز عدالت و آرمان عشق با پوزخند گزازه‌های منطبق نما تمسخر نمی‌شد. در شرایط ناملایم امروز، عاطفه‌ای که به آن بلاژوگار داریم از جوگری و شعارزدگی نیست می‌دانیم چه چیز آن خوب وناب بود و تفاوت شعار بسا عقلانیت وجدان‌مدار را می‌فهمیم و می‌توانیم فیلمی را دوست داشته باشیم که از واژه قرار گرفته در عنوانش، آشناسازی‌ای می‌کند. مصلحت همان چیزی نیست که در خواشنا اصلاحاً کامیوایی شناخته می‌شود؛ ای بسا عمل به عدل و تَعَلُّق به پرهنزترین تصمیم‌های اخلاقی، بیشتر به مصلحت ملک و ملت باشد.

مصلحت در اتمسفر زمانی دهه ۶۰ اتفاق می‌افتد و همین هم ممکن است در کثرت آثاری که ظرف ۱۰ سال اخیر به این برهه زمانی پرداخته‌اند، این فیلم را تکراری جلوه دهد. درحالی‌که باید بدانیم سوزه و قصه این فیلم که به ماجرای امکان بروز فساد در دستگاه قضایی پرداخته کاملاً جدید و جسورانه است و البته همین جسارت هم باعث شد تا فیلم اول حسین دارابی چند سالی را در توقیف به سربرد.

سوزهٔ این فیلم از یک‌طرف و پرداخت و پرداخت هم می‌توانسته معاً ظرب را مناسبی هم که دارد باعث شده تا مصلحت فیلمی دیدنی و ارزشمند از آب دربیاید. این فیلم می‌وچودی که اولین تجربه کارگردانی دارابی است اما فیلمی کامل است و البتهاب معماگونه قصه‌اش با کمک قهرمانی که در قصه حضور دارد می‌توانسته معاً ظرب را مناسبی هم که دارد باعث شده تا پایان فیلم پای برده سینما میخوب کند. مصلحت به مساله فساد، آفازادگی، نفوذ و عدالت‌خواهی به شکل توامان پرداخته ولی در عین حال در دام کلیشه و بنایبه‌خوانی هم گرفتار نشده که همین‌به‌خوبی می‌تواند این فیلم را در ذهن مخاطب خود ماندگار کند. به بهانه همین پرداخت جسورانه و البته حواشی توقیف که برای این فیلم پیش آمده بود به گفت‌وگو با حسین دارابی، کارگردان فیلم سینمایی مصلحت نشستیم. تا با چالش‌هایی که او در ساخت و اکران اولین فیلمش با آن مواجه بوده آشنا شویم.

|||

مصلحت سوزه شما بود یا پیشنهاد سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده؟

من عضو باشگاه فیلم سوره بودم و در فضای بويا و كاملاً رفاقتی آنجا خیلی زیاد با دوستانم جلسه و گپ‌وگفت داشتیم. دو فیلمنامه از قدیم داشتیم که می‌خواستیم پیش ببرم اما به دلیل حساسیت موضوع، هر دو کار در مرحله پیش تولید خوابید و به نتیجه نرسید. آقای شفاه در یکی از این جلسات تعدادی طرح ارائه کردند که مصلحت هم یکی از آنها بود و من خیلی از این یکی خوشم آمد اما به‌خاطر شکست در کار قبلی و انرژی‌های پر انرژی آنها گذاشته بودم. فکر کردم به‌شدت ناامید بودم. کم‌کم با همان شرایط روحی شروع به کار کردن روی فیلمنامه مصلحت کردم و بعد از چند ماه هم در احسان ثقفی و احمد حیدریان به ما اضافه شدند و بعد از بازتوسسی بالاخره به این چیزی رسیدیم که الان در مصلحت وجود دارد. فیلمنامه را به حوزه هنری دادیم که شکر خدا آنها هم استقبال کردند و وارد پیش تولید شدیم اما متأسفانه به

باید برای این آرمان هم چیز را فدای کرد و امیدوارم در فیلم هم نمود پیدا کرده باشد.

معمولاً وقتی فیلمسازان ما سراغ سوزه‌های ملتهبی می‌روند که مماس با سیستم حکمرانی است، این اتهام به آنها زده می‌شود که قائل به فساد سیستماتیک در بدنه حکمرانی هستند. چگونه می‌شود در یک فیلم از فساد بخشی از نظام حکمرانی حرف زد و آن را منتهم به فساد سیستمی نکرد؟

من حتنا به این اعتقاد دارم که فساد سیستماتیک نیست. من بارها در قوه قضائیه و سازمان‌های مختلف آدم‌هایی را دیده‌ام که به حدی توانمند و کاربرزایمکنند که می‌توانند سیستم را با همه آشکالاکی به سمت درست جهت بدهند و اصلاح کنند؛ تا به یک بازدهی خوبی برسند. من چون فیلم لومی‌ورود وارد جزئیات این موضوع نمی‌شوم ولی بالاخره این را تاکید داشتیم که همیشه افرادی هستند که اب را از آلود می‌کنند تا ماهی خوشان را بگیرند ولی در عین حال آدم‌هایی هم هستند که می‌شود با کمک آنها فضای فساد را گرفت و سیستم را اصلاح کرد.

از زمانی که فیلم شما در جشنواره فجر رونمایی شد تا الان که فیلم وارد چرخه اکران شده است، کشور دچار التهاباتی است و شرایط اجتماعی تغییراتی کرده است. فکر نمی‌کنید که این تأخیر در اکران، به ضرر فیلم و روایت آن نام شده است؟

من می‌گویم هر فیلمی وارد دغدغه‌های مسئولان فطری شود و در مخاطبانش هم این معنا در شود، قطعاً یک فیلم ماندگار خواهد شد و در هر فرد و به هر موقعیت و زمانه‌ای که باشد این فیلم کامکان تازه است. مثل خیلی از فیلم‌ها که در تاریخ سینمای جهان ساخته شده و دیرباره موسیقی فطری و عمیق صحبت می‌کند که دغدغه همه انسان‌ها در همه عصرهاست. فکر می‌کنم مصلحت هم از این جنس است بنابراین با تغییر شرایط و اتفاقاتی که در این مدت افتاده از نظر من به تنها به ضرر قصه نیست بلکه حتی به فیلم هم کمک می‌کند چون دغدغه و حس عدالت‌خواهی در کشور بیشتر شده است. علاوه بر این فکر می‌کنم حرف فیلم‌طوری است که اگر الان یخست نشود و ۱۰ سال دیگر یخش شود، برای اینکه دغدغه همه انسان‌ها در همه اعصار بوده می‌تواند حرف تازه‌ای باشد. این البته تحلیل من است.

کمی هم درباره شرایط فنی و انتخاب بازیگران صحبت کنید، چون فیلم در شرایط سخت روزهای کرونا ساخته شد.

خب مصلحت فیلم اول من بود و شاید خیلی آدم‌ها هم از بازیگر و عوامل فنی به من اعتماد نمی‌کردند، علاوه بر این مصلحت موضوعی سیاسی و ملتهب‌داشت که ممکن است هر بازیگری علاقه‌مند به حضور در چنین‌ایتمی نباشد. مشکل سوم من شرایط گروتویی کشور بود که بیاز هم فرآیند کار را سخت کرده بود. مادر شرایط گروتویی خیلی زحمت کشیدیم. جلسات متعددی برگزار

کردیم و توانستیم اعتماد افراد را جلب کنیم که این فیلم خوبی می‌شود. خلاصه توانستیم به لطف خدا به همه عوامل این انتقال دهم و گروه خوبی تشکیل بدیم. از عوامل پشت دوربین، تاپیس تولید، تا بازیگران و همچنین همراهی آقای شفاه که کنار من بود باعث شد این فیلم را جاندار از آب دریاوریم و این‌برای من جذاب و شیرین بود یا اینکه شرایط سختی پشت سر گذاشتم.

مصلحت یک فیلم دهه شصتی بود و از آنجایی که من فیلم اولی بودم خیلی امکان فیلمبرداری در تعداد روزهای زیادی نداشتیم اما خدا را شکر با همراهی گروهی که داشتیم توانستیم یک فیلم سراپا از آب دریاوریم. البته باید بگویم اگر من می‌گویم یک فیلم سراپا ساخته شده یا تکبیه بر نظرات اطرفیان و کسانی که فیلم را در جشنواره دیده‌اند بیان می‌کنم و الا من خیلی ادعا ندارم. من تمام تلاش خودم را برای این فیلم کردم و همچنین عوامل همراهی کردند تا فیلمی خوش‌ایتمی باشد که دور از شعارزدگی باشد که مخاطب را تا آخر پای برده سینما نگارد. از عوامل و بازیگران، کادر فنی پشت دوربین، تولید و پس‌تولید تشکر می‌کنم که مردانه وقت گذاشتند، با حساسیتی که داشتیم راه آمده‌اند و به من اعتماد کردند.

به‌عنوان سوال آخر از اولین تجربه‌های شما می‌پرسم، حسین دارابی برای شروع کار خود در سینما بعنوان کارگردان سراغ سوزه‌هایی کاملاً خرافه‌گانه می‌شود که ممکن است وارد سینمای ایران ننزوی کند. تکران این اتفاق نبودید؟

من آدمی سیستمی که نقد‌بازی نمی‌کنم و شاید یکی از اشکالات من همین باشد. من به‌عنوان هنرمند دغدغه‌ها و پیشینه‌های مردم که باعث می‌شود موضوعاتی‌برای من اهمیت پیدا کند و به عبارتی همه زندگی من نشود. ساختن فیلم برای من واقعا سخت است، از نوشتن آن تا پایان کار سخت است. کلی بی‌پولی و چالش‌خاتوادگی برای من دارد اما این سختی‌شیرین است و وقتی شروعش می‌کنم دیگر نمی‌توانم رهاایش کنم! الان می‌خواهم کار جدیدی را شروع کنم که فقط ۸ ماه‌روی نوشتن طرح آن کار کرده‌ام. از این به‌بعد هم سعی می‌کنم این‌طور زندگی کنم. این‌طور فیلمسازی را دوست دارم و از آن لذت می‌برم. هیچ‌وقت این‌طور نبودم که خودم بگویم هر فلان کار می‌روم تا هم بیشتر دیده‌شوم، هم پول بیشتری بگیرم و هم بیشتر من را تحویل می‌گیرند. من همیشه و یکباره روی چیزی گیر می‌کنم و تا آنجایی پیش می‌روم. ممکن است عدادی این مدل را نبینندند، خب من کاری نمی‌توانم بکنم. امیدوارم همین‌طور هم معلم و خیلی وارد حساب‌های دو دو تا چهار تا نشوم و بتوانم این‌شاء‌الله همه‌طور در این مسیر پیش بروم.